



تأثیر تحصیلات معماری بر درک زیبایی از آثار معماری

شفیقه علی اصل ممقانی^۱، سجاد رجبی^۲

۱- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ممقان، گروه معماری، ممقان، ایران aliasl@laumamaghan.ac.ir
۲- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ممقان، گروه معماری، ممقان، ایران sajad.rajabif63@yahoo.com

چکیده:

زیبایی و درک آن موضوعی است که افراد متفاوت برداشت متفاوتی از آن دارند. و بسته به اطلاعاتی که افراد متفاوت از معماری دارند درک آنان از زیبایی فرق می کند. تفاوت در اظهار نظر در خصوص زیبایی آثار معماری یکی از موضوعات بحث برانگیز در معماری معاصر ایران است. این موضوع باعث می شود که اختلاف نظرهای قابل توجهی میان دارندگان تحصیلات معماری و سایر گروه ها از درک زیبایی با نازیبایی آثار معماری به وجود آید. در این مقاله که نمونه ای از آثار مشهور معماری معاصر تبریز انتخاب شده است در اختیار سه گروه متفاوت قرار گرفت و نظرات آنها در مورد زیبایی یا نازیبایی آثار مورد مطالعه قرار گرفت، نتیجه ای که حاصل شد نشان می دهد با بالا رفتن سطح تحصیلات معماری تمایل به بناهایی که درک آنها نیاز به سواد بصری بالاتر است بیشتر است و بر عکس آن تمایل به بناهایی که جنبه ی تبلیغات عمومی در مورد آنها بیشتر است، بیشتر شده است. هرچند در بسیاری از موارد نوعی اتفاق نظر نیز قابل مشاهده می باشد.

واژگان کلیدی: سواد بصری، تحصیلات معماری، درک زیبایی، معماری معاصر، طراحی معماری



مقدمه:

امروزه با افزایش سبک های معماری و تخصصی شدن حوزه های مختلف طراحی معماری اختلاف نظر میان معماران و مردم بیشتر شده است. ورود رسانه و افزایش فضاهای مجازی در دوران مدرن و تاثیرگذاری آن در زندگی امروز بشر سبب شده مخاطبین گستره ی وسیعی از بناها را تجربه کنند. زمانی که معماران با تحصیلات معماری آکادمیک وارد دانشگاه می شوند با توجه به آموزش هایی که در دانشگاه دیده اند و از اساتید معماری آموخته اند شروع به کار می کنند و بسیاری از مواقع طرح های بسیار موفقی نیز طراحی می کنند اما وقتی طرح ها به دست مردم یا مسئولین می رسد آنقدر ویرایش می شوند که از طرح اولیه چیزی نمی ماند.

این تفاوت نظر بین طراحان معماری و مردم باعث می شود بسیاری از پروژه های معماری در عمل به اجرا درنیامده و در حین اجرا و بهره برداری دچار تحولات زیادی توسط بهره برداران می گردد. که ایده ی اصلی پروژه را به طور کلی دچار دگرگونی می نماید.

تعریف زیبایی :

زیبایی مفهومی است که در ادوار متفاوت و در رشته های علمی متفاوت تعاریف متفاوتی از آن شده است اما به نظر می رسد تا کنون هیچ تعریفی که مطلقاً زیبایی را تعریف کند از معماری ارائه نشده است. استیلکوس که بازتاب عناصر زیبای جهان در نزد یونانیان است، به احساس خشنودی پدید آمده در اثر دیدن آثار هنری نیز اطلاق می شود [۱]. نیاز به احساس زیبایی در زمره والاترین نیازهای بشری است. به نظر استاد مطهری حس زیبایی که به دو عنوان زیبای دوستی و زیبایی آفرینی از آن یاد می شود، جزء فطریات اولیه انسان و یکی از وجوه تمایز او با حیوانات است [۲]. اینکه بشر از اولین روزهای خلقت برای زیبایی سازی محیط زندگی اش در تلاش بود، ثابت می کند نیاز به زیبایی به عنوان جزئی از فرهنگ مشخص و قطعی است [۳].

در زمینه ی احساس و ادراک زیبایی دو نظریه وجود دارد، نظریه اول درک زیبایی را تنها بر اساس ویژگی های فرمی اثر دانسته و نظریه دوم قائل به وجود محتوا و مفهومی در پشت هر اثر هنری است که در درک زیبایی از آن اثر موثر واقع می شود.

بررسی زیبایی از لحاظ شکل و فرم:

ریشه این نظریه به ادبیات و فرمالیستهای روسی باز می گردد، در نیمه ی نخست سده ی بیستم تحلیل استوار بر شکل و فرم به تدریج شکل گرفت که سردم داران آن فرمالیستهای روسی بودند [۴] این گروه به دنبال اثبات این نظریه بودند که هراث ادبی باید بدون توجه به تحلیل های تاریخی، روانشناسی و اجتماعی خود اثر بررسی گردد. در حقیقت فرمالیستها لذت حاصل از زیبایی را فراتر از خیر، شر، آرمان و یا حتی تعریف می شناسند [۵] و معتقدند قضاوت اولیه مخاطبین از زیبایی بر مبنای احساس آنها بود. و عوامل غیرادراکی از جمله تاریخ و فرهنگ و تجربه فقط در مرحله ی بعد به احساس زیبایی مخاطب کمک می کند. از دیدگاه فرمالیستها تجربه ی زیبایی شناختی تنها توسط ویژگی های فرمی اثر هنری برانگیخته می شود [۶]. سپس اثر هنری برای کامل بودن باید به وسیله ی ویژگی های فرمی خود و نه عامل دیگری از بیرون - مانند ایده - احساس مخاطبین را برانگیزد.

جدول ۱: مهمترین نظریه فرمالیستها

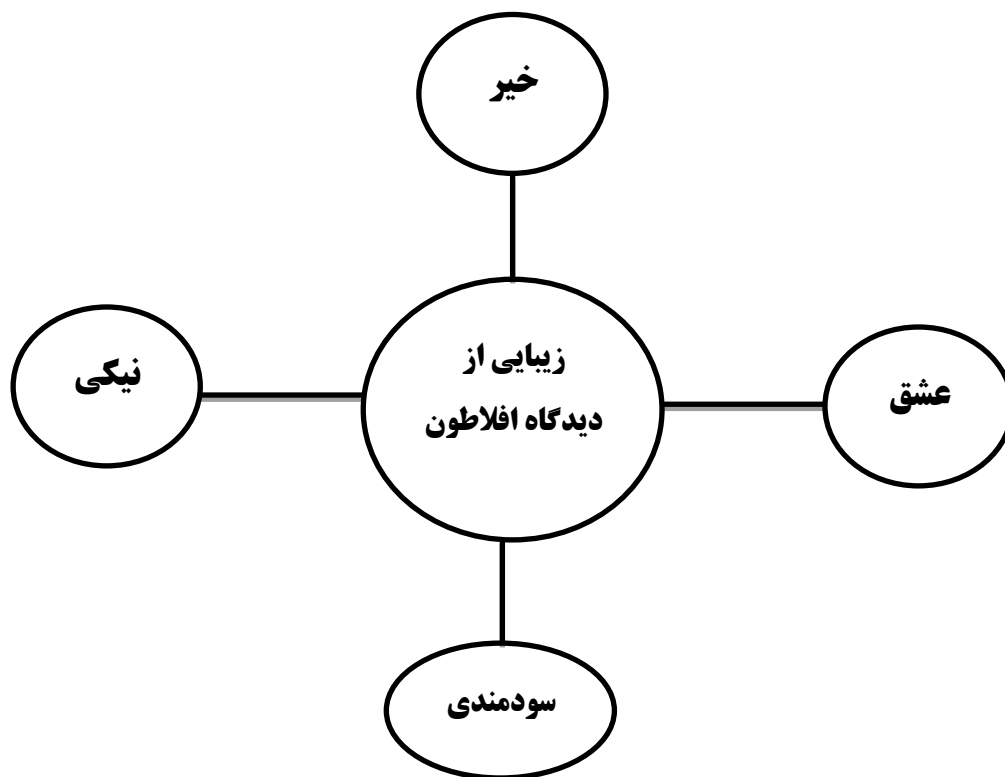
تجربه ی زیبا شناختی توسط جنبه های فرمال اثر برانگیخته می شود.	اهم نظریه فرمالیستها
زمینه ی اثر و شرایط تاریخی و اجتماعی آن در درک زیبایی موثر نیست.	
تمایز هنرمندان به دلیل تفکیک با ویژگی های فرمی بیان تجربه است.	
قضاوت اولیه درباره ی زیبایی بر مبنای روحيات مخاطب است.	



طبق این نظریه مخاطب در برخورد با اثر معماری نیازی به دانستن هیچ گونه اطلاعاتی در زمینه اثر نداشته و زیبایی که او از اثر درک می کند ، ارتباطی با اهداف (خیر یا شر) هنرمند آفریننده ندارد تنها فرم و شکل اثر حس زیبایی شناسانه او را تحریک کرده و تفاوتی میان فردی که دانشی پیرامون اثر هنری دارد و فردی که هیچ پیشینه ای در ارتباط با اثر ندارد ، وجود ندارد .

بررسی زیبایی از لحاظ محتوا و مفهوم:

این گروه از نظریه پردازان معتقدند محتوای هر اثر هنری نقش مهمی در ادراک زیبایی آن اثر دارد . البته به نظر می رسد این دیدگاه پیشینه ای طولانی در تاریخ زیبایی شناسی دارد . در مکالمه های افلاطون ، بارها ، زیبایی ، عشق ، نیکی و درست انجام دادن کار ، مترادف یکدیگر به کار برده شده اند (نمودار ۱) .



نمودار ۱

از نظر او تقارن ، تناسب و غیره خود زیبایی نبوده و زاده ی زیبای اند .
"زیبایی چیزی است در خویشتن و برای خویشتن که همواره همان می ماند و هرگز دگرگونی نمی پذیرد و همه ی چیزهای زیبا فقط بدان سبب که بهره از او دارند زیبا هستند " [۷].
افلاطون معتقد بود که در پشت هر شی ، هر جاندار و بی جان و هر ساخته ی انسانی اعم از اثر هنری و غیر هنری و پشت هر مفهوم چیزی ناب تر و اصیل تر وجود دارد . از دیدگاه او فرم و محتوا یکی است و فرم یا ایده ی هر چیز ، دربردارنده ی محتوای آن نیز بوده است [۸].
بنابراین از دیدگاه افلاطون زیبایی دارای مفهومی همچون خیر و نیکی است و محتوای هر اثر هنری ، که فرم نشان دهنده ی آن محتوا نیز هست - زیبا بودن یا نبودن آن را مشخص می کند .



گروه دوم از نظریه پردازان ، نقطه ی مقابل فرمالیستها بوده . به تلفیق گرایان مشهورند این گروه از حضور دانش و آگاهی در درک زیبایی طرفداری می کنند و معتقدند ادراک زیبایی با عواملی چون فرهنگ ، زمینه ی علمی و شرایط شخصیتی تلفیق شده به طور همزمان درک کلی از زیبایی به دست می دهد [۹].

جدول ۲: مهمترین نظریه های تلفیق گرایان

دانش و آگاهی در درک زیبایی موثرند .	اهم نظریه تلفیق گرایان
فرهنگ و زمینه و شرایط شخصیتی با هم سبب درک زیبایی می شوند .	
آشنایی با مناظر عاملی برای احساس زیبایی است .	
محتوای اثر هنری در درک زیبایی آن موثر است .	

محتوای هر اثر هنری به عنوان مولفه ای مهم در برخورد مخاطب با اثر هنری نیاز به رونمایی دارد تا زیبایی اثر خود را به مخاطب نشان دهد . اما آیا افراد متفاوت در برخورد با یک اثر هنری یا معماری دریافت یکسانی از محتوای آن دارند ؟ یورگ گروتز معتقد است ، ادراک انسان تنها نتیجه ی دریافت و تجزیه و تحلیل ارگان های حسی نیست ، بلکه سه عامل وضع روحی انسان در لحظه ی ادراک ، خلق و خوی شخص و عوامل موروثی و زمینه ی اجتماعی - روانی در این فرایند نقش اساسی دارند.

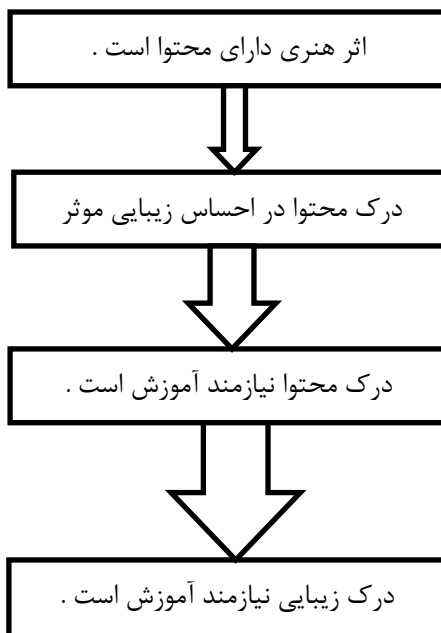
جدول ۳

وضع روحی انسان در لحظه ی ادراک	عوامل موثر در ادراک انسان
خلق و خوی شخص و عوامل موروثی	
زمینه اجتماعی و روانی	

دانستن زمینه ی تاریخی و علل وجودی ساختمان ، قدمت اثر به عنوان نماد جاودانگی و مدل فرهنگی حاکم بر جامعه ، درکنار بافت شخصیتی افراد بر احساس زیبایی از یک اثر تاثیر می گذارد. [۱۰]

پس آموزش می تواند در افزایش ادراک زیبایی دخالت داشته و این احساس را تکامل بخشد به طور مثال ، لذتی که یک موسیقی دان از موسیقی می برد بسیار بیشتر و غنی تر از لذت افراد عادی است [۱۱] و یا کسی که حافظ و شعر او را می شناسد بسیار بیشتر از کسی که ادبیات نمی داند ، از شعر حافظ لذت می برد . بنابراین می توان به این نتیجه رسید که زیبایی دارای مفهوم و محتوا است .

وقتی فرم ظاهری یک اثر نمایشگر زیبایی آن نیست این محتوا در احساس زیبایی موثر است . در نتیجه هر چه محتوای اثر هنری غنی تر باشد اثر زیباتر به نظر خواهد رسید که در برخورد با اثر معماری ، باید میان افراد برخوردار از سواد بصری و افرادی که از دانش معماری و سواد بصری بهره ای ندارند تفاوتی در میزان درک زیبایی وجود داشته باشد .



نمودار ۲: رابطه ی میان سواد بصری و احساس زیبایی

تجزیه و تحلیل نمونه ها :

برای تشخیص مفهوم زیبایی در آثار ۶۰ نفر به عنوان جامعه آماری انتخاب شده که ۱۰ نفر از آنها از میان اساتید معماری (گروه اول) ۲۰ نفر از دانشجویان معماری (گروه دوم) و ۳۰ نفر از پرسش شوندگان دارای تحصیلات غیر معماری (گروه سوم) انتخاب شده اند . گروه اساتید معماری از بالاترین سواد بصری برخوردار بوده و گروه دانشجویان معماری در درجه ی دوم سواد بصری قرار می گیرند و گروه سوم از میان دارندگان تحصیلات غیر معماری در درجه ی سوم سواد بصری قرار می گیرند .

انتخاب نمونه ها:

نمونه ها از میان آثار معماری تبریز در سه گروه انتخاب شده اند . گروه اول شامل سه بنا می باشند . که با ارج نهادن به معماری سنتی مورد تقدیر قرار گرفته اند . گروه دوم بناهای مدرن و جدید با اصول قوی معماری طراحی شده اند و شامل سه مورد می باشند . و سه مورد آخر ، بناهایی هستند که از لحاظ فرم ظاهری خاص بوده و تبلیغات محیطی باعث شده که این بناها نزد مردم آشناتر باشد و اینها نیز شامل سه بنا می باشند .

گروه اول: ساختمان مقبره الشعرا - پارک ولیعصر - بازار تبریز

گروه دوم: برج بلور - هتل لاله - میدان ابریشم

گروه سوم: بیمارستان بین المللی تبریز - ساختمان پاساژ رشدیه تبریز - جواهر تبریز



کانون ملی معماری ایران
همایش ملی معماری، عمران و توسعه ی نوین شهری
تبریز - اردیبهشت ۱۳۹۳

نمونه ها:



پارک ولی عصر



ساختمان مقبره الشعرا



برج بلور



بازار تبریز



هتل لاله



میدان ابریشم



ساختمان پاساژ رشديه



بیمارستان بین المللی تبریز



جواهر تبریز

یک پرسش نامه شامل نام و تصویر ۹ اثر معماری که از هر گروه سه اثر قرار گرفته است. از ایشان خواسته شده بین نمرات ۱ تا ۲۰ نمره ای را به عنوان نمره ی زیبایی به هر یک از بناها اختصاص دهند. سپس نمره ها گردآوری شده، و جمع نمره های داده شده، به هر بنا، توسط هر گروه از پرسش شوندهگان در جدولی تنظیم شده و اولویت بندی بناها بر اساس انتخاب هرگروه مشخص می گردند و بر اساس آن داده ها تحلیل می شوند.

نتیجه :

با توجه به نتیجه کمی نمره های داده شده می توان این گونه نتیجه گرفت که اساتید و دانشجویان معماری برای نمره دادن به زیبای بناها نسبت به دیگر پرسش شوندهگان سختگیر ترند. این سختگیری در نمره های داده شده توسط اساتید نسبت به دانشجویان نیز دیده می شود، با بالا رفتن سواد بصری، عوامل دخیل در نمره زیبایی بیشتر شده و نمره دادن با احتیاط بیشتری صورت گرفته است. در حالیکه در نمره هایی که توسط پرسش شوندهگان غیر معماری داده شده، گشاده دستی قابل توجهی ملاحظه می شود.

به نظر می رسد افرادی که از دانش بصری برخوردارند با توجه به آموزش ها و تجربه های کسب شده در طول دوران تحصیل و کار حرفه ای مفاهیمی چون الهام از معماری گذشته، آب، نور، شفافیت، ارتباط بصری و غیره را به عنوان عوامل مهم زیبایی در نمره دادن مد نظر داشته اند. در انتخاب افراد غیر معماری آشنایی داشتن با بنا، داشتن کاربری خاص و مورد استفاده زیاد، فرم نو و خاص، تسهیلات مناسب و تبلیغات رسانه ای، عوامل مهمی در اولویت بندی بناها بوده است. برای مثال، اولین انتخاب افراد غیر معماری میدان ابریشم، هتل لاله و برج بلور است. در حالیکه اولین انتخاب اساتید و دانشجویان معماری، بازار تبریز، پارک ولیعصر و مقبره الشعرا می باشند. سه بنای گروه سوم تقریباً توسط هر سه گروه از پرسش شوندهگان در رتبه های آخر قرار گرفته اند و متأسفانه شبیه این بناها در شهر که هیچگونه مفهومی پشت آن نیست و حتی از لحاظ فرمی نیز زیبا نیستند در داخل شهر فراوانند و حتی مردم عادی نیز از چشم آزار بودن این آثار رنج می برند.



پی نوشت ها:

- [1] Ayvazian,S.(2003).Aethetics and Its Origin in Archetechural critique.Jornal of Fine Art(12),64-69.
- [2] TAHBAZ,M.(2003-2004).Beauty in Architechure.SOFFEH,13(37),75-97.
- [3] Grutter,J.K.(2006).Asthetik der Architechur:Grundlagen der Archetektur.(J.Pakzad,&A. Homayun, Trans.) Tehran: Shahid Beheshti University Publication.
- [4] Ahmadi,B.(2004).Truth and beauty lectures on Philosophy of Art.Tehran-EMARKAZ.
- [5] Mahdavinejad,M.(2005).Education of Archetechural Criticism.Jornal of Fine Art(23),69-76.
- [6] Molavi,M.(2004).The Role of Knowledge in Perception of Beauty.Jornal of Fine Art(18),5-12.
- [7] Ahmadi, ibid.
- [8] Rahil Qavami,F.(2007)Form and Content in Platonic Realm. Quarterly of Khiyal(21&22),118-163.
- [9] Molavi, ibid.
- [10] Grutter, ibid.
- [11] TAHBAZ, ibid.
- Groat,L.,&Wang,D.(2010)Architechural Research Metods(3 rd ed.).(A.R.Eynifar,Trans.) Tehran: University of Tehran Press.